

آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان

گامی به سوی جهانی سازی فرهنگ ایرانی

نگار داوری اردکانی*

طاهره محمودی**

سمیه نواب***

چکیده

در عصر کنونی که با پدیده گریز ناپذیر جهانی شدن در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی روبرو هستیم، زبان به عنوان یکی از ابزارهای انتقال هویت فرهنگی یک جامعه نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند. بنابراین توجه به موضوع گسترش آن به ویژه از طریق آموزش، ضرورتی اجتناب ناپذیر خواهد بود. در این پژوهش آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان یکی از راههای جهانی کردن فرهنگ ایرانی تلقی می‌شود. به این ترتیب، لازم است که نحوه آموزش زبان فارسی و میزان تاثیر آن در انتقال فرهنگ و هویت ایرانی به زبان آموزان غیر ایرانی بررسی شود. حوزه بررسی این موضوع به چند کتاب آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان کانون زبان ایران محدود می‌شود. بدین معنا که این کتابها را از نظر کمیت و کیفیت پرداختن به موضوعات مربوط به فرهنگ ایرانی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. این پژوهش می‌کوشد به سه سوال اصلی زیر پاسخ دهد: ۱. چه مولفه هایی از فرهنگ ایرانی از طریق آموزش زبان فارسی قابل انتقال هستند؟ ۲. چه مولفه هایی از فرهنگ ایرانی در کتابهای

* استادیار گروه زبانشناسی دانشگاه شهید بهشتی

** کارشناس ارشد رشته زبانشناسی همگانی

*** کارشناس ارشد رشته زبانشناسی همگانی

آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان مورد توجه قرار گرفته است؟ ۳. به هر مولفه به چه میزان پرداخته شده است؟ نتیجه این پژوهش فهرست جامعی از مولفه‌های فرهنگ ایرانی است که از طریق آموزش زبان فارسی قابل انتقال می‌باشند. همچنین به نقاط ضعف و قوت کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان از جنبه انتقال مولفه‌های فرهنگ ایرانی نیز دست خواهیم یافت.

کلیدواژه‌ها: آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان، جهانی سازی، (انتقال) فرهنگ ایرانی، کتاب‌های آموزش زبان فارسی

۱. مقدمه

در عصر حاضر به دنبال مطرح شدن موضوع مناقشه برانگیز جهانی شدن، مساله صیانت و حفاظت از هویت ملی و فرهنگ بومی نمود تازه‌ای یافته است. ظهور پدیده بحران هویت در قرن حاضر و انعکاس گسترده این پدیده در رسانه‌های ارتباط جمعی، صاحب‌نظران و متفکران علوم انسانی را بر انگیزته است تا برای رفع این نقیصه و تلاش در جهت هویت سازی و هویت‌یابی چاره‌ای بیاندیشند. از دیگر سو، در سالهای اخیر فرآیند جهانی شدن در ابعاد مختلف اجتماعی سیاسی و فرهنگی ظهور پیدا کرده است و کشورها خواسته یا ناخواسته در معرض این پدیده قرار گرفته اند. کشورها متناسب با سیاست و خط مشی حکومت‌های خود در برابر این پدیده مواضع مختلفی گرفته اند. انعکاس گسترده این فرآیند در مطبوعات نیز به همین اندازه متفاوت بوده است؛ تا آنجا که به سختی می‌توان تعریف واحدی از جهانی شدن به دست داد. مارشال مک لوهان مفهوم دهکده جهانی و این که آینده جهان تحت تاثیر وسایل ارتباط جمعی خواهد بود را مطرح می‌کند. آنتونی گیدنز را می‌توان جزء یکی از اولین مفسران و متفکرانی به شمار آورد که در دهه ۸۰ میلادی به مقوله جهانی شدن به طور جدی توجه کرد. وی دوران مدرن را به دو مرحله تقسیم می‌نماید: مدرنیته دوره اول که تا دهه ۶۰ میلادی به طول انجامید و مدرنیته دوره دوم که از دهه شصت میلادی آغاز شده و تا به امروز ادامه دارد. عقاید سن سیمون توسط اگوست کنت راه خود را در نوشته‌های امیل دورکیم باز کرد، اما میراث اصلی دورکیم در مورد جهانی شدن، نظریه‌های وی در مورد «تمایز و فرهنگ» بود. با وجود تمام این اختلاف نظرها آنچه در مورد این پدیده به وضوح مشاهده می‌شود این است که همه